

## نقش علوم انسانی در تحول پارادایمی طب

شقایق حق جوی جوانمرد\*

علیرضا منجمی\*\*

آرش حدادگر\*\*\*

### چکیده

طب مدرن که امروزه در درمان بسیاری از بیماری‌ها کارآمد به نظر می‌رسد به شدت متأثر از تفکر مکانیکی دکارت است که بدن انسان را نوعی ماشین می‌داند است که به جای پیچ و مهره و چرخ دنده از استخوان و عصب و عضله ساخته شده است. آنچه در بیولوژی و طب مدرن به شدت از آن غفلت شده است، موضوع بیولوژی و طب مدرن یعنی حیات است. سلول‌های بدن انسان زنده و هوشمند هستند. هوشمندی و پیچیدگی رفتار سلول‌های بدن انسان‌ها در کمتر موضوعی از مقولات طب لحاظ می‌شود. مشکل وقتی پیچیده‌تر می‌شود که طب در حیطه‌هایی با مسائلی چون روان و ذهن انسان مواجه می‌شود. غلبه تفکر فلسفی فیزیکیالیسم کاست گرا مشکلاتی در مسیر تکامل زیست‌شناسی و طب ایجاد کرده است. رویکرد انتقادی به دستاوردهای زیست‌شناسی مدرن به معنای نفی کامل آن نیست، بلکه دعوت به بازنگری رویکردها و تغییر شیوه‌ی نگرش است. از جمله تلاش‌های اخیر توجه به مفهوم نوپدیدی است که بن مایه‌ی تفکر کل نگر است. نظریه‌پردازی برای برون رفت از این بحران و لحاظ کردن مفهوم حیات در طب جدید موضوعی است که نیازمند همکاری بین رشته‌ای است و نقش علوم انسانی بسیار برجسته به نظر می‌رسد.

**واژگان کلیدی:** علوم انسانی، علوم پزشکی، تحول پارادایمی، فیزیکیالیسم کاست گرا،

نوپدیدی.

---

\*. مرکز تحقیقات فیزیولوژی کاربردی

\*\* دفتر پرورش استعدادهای علمی دانشجویان

\*\*\* دانشگاه علوم پزشکی اصفهان